



www.ketab.ir

نظام پور، جواد، ۱۳۳۸ / خاطرات جاوید: خاطرات شفاهی جواد نظام پور
اولین فرمانده ادوات لشکر ویژه شهداء / تدوین و نگارش: سید علیرضا میری /
ویراستار: لیلا بحری / وضعیت فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا
یادداشت: کتاب حاضر با حمایت معاونت فرهنگی سپاه امام رضا (ع) منتشر شده
است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۴-۰۴۴-۷

فهرست: تاریخ شفاهی فرماندهان و رزمندگان استان خراسان: ۲
عنوان دیگر: خاطرات شفاهی جواد نظام پور اولین فرمانده ادوات لشکر ویژه
شهداء.

موضوع: نظام پور، جواد، ۱۳۳۸- خاطرات / جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -
خاطرات

رده بندی کنگره: ۳۹۷.۱۳۹۷/۶۳۱۶۲۹ dsr

رده بندی دیویی: ۳۰۹۰/۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۸۸۲

www.ketab.ir

خاطرات جاوید

نویسنده: سید علیرضا میری

ویراستار: لیلا بحری

ناشر: ستاره ها

مدیر هنری: طراح جلد و گرافیک: مصطفی معمی وند

صفحه آراء: ترجمه معمی وند

تویت چاپ: اول - ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۷-۴۴-۲۵۴-۶۰۰-۹۷۸

قیمت جلد سخت: ۲۷۰۰۰ تومان

بزرگراه کلانتری، حدفاصل میدان تلوزیون و جهاد

مجتمع فرهنگی آیه ها

تلفن: ۰۵۱۳۸۷۱۷۰۰۹ - فکس: ۰۵۱۳۸۷۱۷۲۸۰

آدرس تلگرام و اینستاگرام: @N_setareha

پست الکترونیک: nashr.setareha@gmail.com

میراکر پخش، کتاب ردا از: ۰۵۱۳۷۱۱۲۲ - ۰۹۱۲۰۷۵۵۹۵۵

ترنجستان مشهد: ۰۵۱۳۳۳۱۵۲۱ - ۰۹۳۵۸۹۸۱۳۸۱

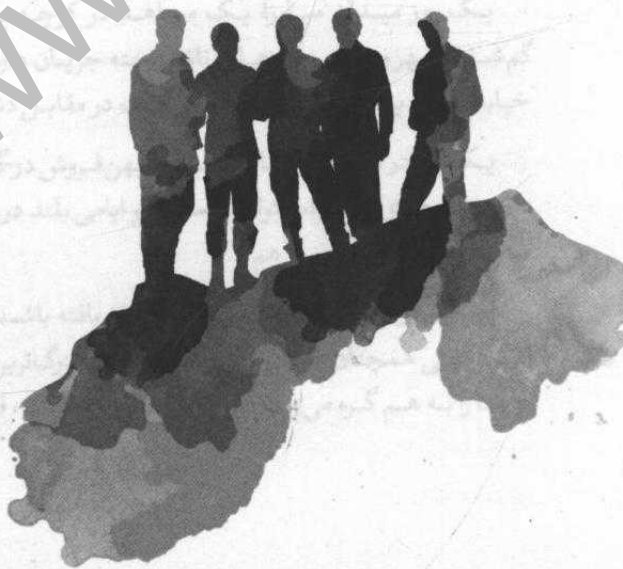
این اثر با حمایت معاونت فرهنگی اجتماع اسلامی امام رضا (ع) به

چاپ رسیده است



فهرست مطالب

مقدمه نویسنده	۹
مقدمه راوی	۱۱
فصل یک، سر راه	۱۵
فصل دوم، طلوع بیداری	۸۵
فصل سوم، تمهیل یک جنگ	۱۸۱
فصل چهارم، دوباره کردستان	۳۰۵
فصل پنجم، به سوی سرشت	۴۰۵
فصل ششم، شانه به شانه محمد	۵۳۰
تصاویر	۶۱۱



مقدمه نویسنده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاخْلُ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي

۹

چقدر خوب است ابتدای یک نوشته را با آیه مبارکی شروع کنم که در هر زبان و در موقعیتی، باعث سعه صدر و نفوذ کلام سرباز جوان و سردار میدان می شود سخت کردستان بوده است.

روزهای درخشان دفاع از دین و کشور، همیشه ادامه داشته است و همیشه ادامه خواهد داشت. دفاعی که هر روز به نوعی در رگ های این گیتی جریان دارد و سربا شکای به خود می گیرد و هر بار مجاهدانی را می طلبد که آرزوی این سم چون خورشید روشن گر باشند.

یک روز میدان مبارزه یک مجاهد در کچه پس کچه های گم شده شهر و در زیر زمین های ناشناخته جریان دارد و یک بار در خیابان های پرهیاهو با مشتانی گره کرده در مقابل ایستاده ای از آن. یک روز در مقابل خدانشناسانی میهن فروش در گنبد و ایاام دراز در کوه های زیبا و استوار کردستان و ایامی بلند در سرزمین های تفتیده خوزستان و امروز هم...

این ایام درخشان شاید در نگاه ما پایان یافته باشد اما در بارگاه قدس الهی همچنان جریان دارد و سرانگشتان بزرگ ترین تدبیرگر، این روزها را به هم گره می زند. هر چند امروز صنعت، فاصله بین دو

نقطه را با فشردن دکمه‌ای و چرخاندن کلیدی به صفر می‌رساند اما به هم رساندن دو فاصله زمانی کاری بسیار سخت و دشوار است و نگاه جهادگونه‌ای را می‌طلبد. امروز، وظیفه مجاهدان دیروز، اتصال بین دهه پنجاه است به سال‌های ادامه‌دار تا ابد.

خدا را شکر می‌کنم که مرا لایق کرد تا در رکاب یکی از هم‌رکابان سردار ناشناخته ایران قرار بگیرم. مردی بزرگ که اخلاق و رفتار و منش او اخلاق و رفتار و منشی کاوه‌گونه است.

برای بزرگم آقای «جواد نظام‌پور» مرا لایق دانستند و اجازه‌ام دادند تا از زبان تناسل او و قلم ناتوان خود چهره نورانی و زیبایی محمود کاوه را، تصویر بکشم و اگر نبود عنایت این شهید عزیز و تک‌تک شهدای بزرگ کشور، محال بود بتوانم در این راه قلمی بردارم و خدا را بابت این لطف، بسیار شاکر و سپاسگزارم.

اگر تاکنون سه سال زمان صرف کرده‌ام می‌توانم مدعی شوم که سه سال در کنار محمود کاوه زندگی کرده‌ام و از این زندگی لذت برده‌ام. از بارگاه الهی عاجزانه می‌خواهم که اگر عمری برایم مانده است توفیق ادامه این همراهی را به من بخشد.

ثواب این کتاب را تقدیم می‌کنم به روح بزرگ روح‌الله که هر چه زیبایی می‌بینیم حاصل خون دلی است که در این دنیا نصیب آن بزرگوار شد.

طمع نگاه محبت‌آمیز دارم از یکایک شهدایی که در این نوشته از آنها نام آورده‌ام و استدعا دارم کلماتی را که لایق خودشان است بر ذهن و قلم جاری کنند.

يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً
علیرضا میری